

باز هم درباره / داشتن /

در مقاله‌ای که چندی قبل درباره نقش معین فعل / داشتن / در فارسی امروز منتشر کردم (۱) اشاره‌ای کرده بودم به یادداشت و ژوکوفسکی شرق‌شناس فقید روسی و ضبط این استعمال در فارسی محاوره‌ای تهران حدود سال ۱۸۸۸ میلادی (۲). چون تا آنجا که من اطلاع دارم یادداشت ژوکوفسکی قدیم‌ترین نوشته‌ای است که در آن از وجود چنین استعمالی در زبان فارسی اطلاع داده شده - هرچند نویسنده، چنانکه خواهم گفت، معنی و موارد استعمال آن را درست در نیافته است - تصور میکنم ترجمه یادداشت او که به زبان روسی است برای آن عده از محققان ما که با آن زبان آشنائی ندارند خالی از فایده نباشد.

قبلاً "بد نیست خاطر نشان کنم که اولین اثر کتبی که در آن / داشتن / بصورت فعل معین بکار رفته، تا آنجا که من می‌دانم، سلسله مقالات مرحوم دهخدا است در صدر مشروطیت که بنام مستعار "دخو" در روزنامه صور اسرافیل با عنوان "چرند و پرند" انتشار یافت.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- (1) "Dastan as an Auxiliary in Contemporary Persian", Archiv Orientalni, 40(1972), 198-205.
- (2) Zhukovski, "Osobennoe znacenie glagola dastan v Persidskom razgovornom yazyke" ("معنی مخصوص فعل داشتن در فارسی محاوره"), Zapiski vostochn. otdeleniya imper. russk. arxeolog. obscestva, 3 (St. Petersburg, 1888), 376-377.

با بررسی دقیق قسمت اعظم آثار منظوم و منثور قبل از "چرند و پرند" دهخدا، من به چنین استعمالی برنخورده‌ام. حتی در آثار میرزا جعفر قراچه‌داغی یعنی ترجمه فارسی چندین نمایش نامه میرزا فتح علی آخوند اف در سال ۱۸۷۱ میلادی که مترجم در آن زبان ساده عامیانه به کار برده است چنین صورتی از این فعل دیده نمی‌شود. ترجمه فارسی حاجی بابا اصفهانی هم که در حدود سال ۱۸۹۲ به وسیله میرزا حبیب اصفهانی صورت گرفته و بقول مترجم در آن سعی شده زبان محاوره مردم اصفهان و سایر شهرها و قصبات ایران ضبط شود چنین استعمالی وجود ندارد.

معلوم نیست این استعمال از کجا و از کی وارد زبان فارسی شده. قدر مسلم آن است که اول در زبان محاوره به کار رفته و دست کم چند سالی قبل از ۱۸۸۸ میلادی در زبان محاوره مردم تهران به کار میرفته است. D. L. R. Lorimer در دو مقاله در باره لهجه گبری (در مجله JARS سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۲۵ میلادی) از وجود چنین استعمالی در لهجه فارسی کرمان و W. Ivanow در مقاله "لهجه گبری زردشتیان ایران" در مجله Revista Degli Studi Orientali (سال ۱۹۳۵ میلادی) از وجود آن در لهجه‌های یزد و کرمان خبر داده‌اند.

در لهجه گبری زردشتیان یزد و کرمان، فعل / دارتمون / (= dartmun = داشتن) معادل فعل معین / داشتن / در فارسی محاوره‌ای یزد و کرمان بکار می‌رود، مانند.

رتال جامع علوم انسانی

/ م داره ایکره / (= me dare ikere = دارم می‌کنم)

/ م دارتم ایکرته / (= me darte'm ikarte = داشتم می‌کردم)

ولی از آنجا که همه زردشتیان ایران اگر فارسی و گبری هر دو را خوب ندانند لاقلاً فارسی را خوب میدانند به احتمال قوی این استعمال از فارسی محاوره به گبری راه یافته نه بالعکس، مخصوصاً "از آنجا که گاه به گاه همین / دارتمون / هم در گبری بصورت داشتمون (= dastmun = داشتن) بی‌هیچ تفاوتی به کار می‌رود

در زبانهای غربی که کم و بیش به صورت زبان های خارجی در ایران آموخته می شده اند نیز چنین استعمالی وجود ندارد. در زبانهای فارسی باستان، اوستائی و پهلوی نیز اثری از این فعل به این صورت دیده نمی شود. در اوستائی در چند مورد (ایستادن = $stā$) - $hista$ به کمک یک صفت یا یک Participle به صورت نوعی معین به معنی استمرار به کار رفته. بارتولومه سه مورد از آن را یافته است (۱).

بنونیت چند مورد دیگر بر آن افزوده است (۲). همین - $hista$ در متون سغدی بودائی به صورت stn به معنی مورد بحث فعل / داشتن / به کار رفته ولی با فعل / داشتن / ارتباطی ندارد. اما بر خلاف تصور بنونیت (۳)، که می نویسد - $stā$ در هیچ لهجه دیگری باین معنی به کار نمی رود، استعمال این فعل در فارسی امروز تاجیکستان (در لهجه های مرکزی و شمالی) به صورت معادل / داشتن / در فارسی امروز تهران کاملاً عادی است.

نوشته ایستاده ام = دارم می نویسم

نوشته ایستاده بودم = داشتم می نوشتم (۴)

V. S. Rastorgueva ضمناً "در یکی از لهجه های جنوبی تاجیکستان به زعم خانم V. S. Rastorgueva صورت دیگری از / داشتن / به همین معنی به کار میرود (۵) به این صورت.

- (1) Ch. Bartholomae, Altiranisches Wörterbuch (Berlin 1904, reprinted 1961), p. 1601.
- (2) E. Benveniste, "Le verbe $stā$ -comme auxiliaire en iranien", Iranian Studies, Presented to kaj Barr (Copenhagen, 1966) P. 48.
- (3) Op. cit., p. 49.
- (4) See V. S. Rastorgueva, A Short Sketch of Tajik Grammar, trans. H. H. Paper (The Hague, 1963), pp. 63-64.

(۵) ایشان به هنگام سفر اخیرشان به شیراز این مطلب را به من گوشزد کردند.

نوشتن دارم = نوشته ایستاده ام (در لهجه های مرکزی و شمالی تاجیکستان) = دارم می نویسم (در لهجه امروز تهران) .
 نوشتن داشتم = نوشته ایستاده بودم (در لهجه های مرکزی و شمالی تاجیکستان) = داشتم می نوشتم (در لهجه امروز تهران) .
 اینک ترجمه یاد داشت ژوکوفسکی و ملاحظاتی در باره آن .

فعل داشتن در فارسی عامیانه و در چند لهجه محلی فارسی امروز ، بجز معنی معمول خود (= مالکیت) و نقش معین آن در تشکیل فعل از اسم و از مصدر عربی ، معنی مخصوص دیگری هم دارد که تا آنجا که من اطلاع دارم در زبان ادبی به کار نمی رود و آن این است .

۱- مضارع (aorist) داشتن ، قبل از زمان حال هر فعل ، بفعل اصلی معنی مضارع قریب الوقوع می دهد . تا حدودی شبیه استعمال زمان حال aller فرانسه قبل از وجه مصدری .

۲- ماضی مطلق (preterit) داشتن ، قبل از ماضی مطلق فعل دیگر ، به فعل دومی معنی گذشته ای را می دهد که در گذشته بسیار نزدیک انجام شده است . مثل استعمال زمان حال venir de قبل از وجه مصدری در زبان فرانسوی .

مثالهایی از زندگی روزمره . آقای خدمتگارش را می خواند . " ای رضا . " خدمتگارش جواب میدهد . " دارم میام " (= همین الان خواهم آمد .) یا " بگو شفیع بیاید " ، جواب . " شفیع داشت رفت بازار " (= همین حالا ببازار رفت .)

مثالی از یک تصنیف فکاهی بازار .

اینها همه درس شد حاکم طهران اروس شد
 کلنل آمد از راه لمسه پولس ساز می زنه داره میرقصه (۱) .

(۱) در یادداشت ژوکوفسکی این دوبیت بخط فارسی نوشته شده و املاء از اوست .

ترجمه. " همه چیز درست و مرتب شده. یک فرد روسی حاکم طهران شده. سرهنگ (۱) از اطریش (Neme cina) آمد. پلیس مشغول ساز زدن است و بزودی خواهد رقصید. "

صورتی از غزل حافظ (چاپ روزن، ج ۱، ص ۵۴۰) به لهجه کوران (Keur õ n) ، دهی در نزدیکی اصفهان چنین است .
 رو غم و درد مکی (MEKI) ناله و فریاد کوهزه (hezze) بیمگیتی (bingiti) فالی و فریادرسی دارویوه (daru jue) (۲) .
 ترجمه. " از غم و درد ناله و زاری مکن. دوش فالی زدم به زودی کمک خواهد رسید" و. ژوکوفسکی .

در مورد استعمال مضارع قبل از زمان حال هر فعل، از مثالی که داده پیداست صورتی شبیه je vais partir (الان حرکت خواهم کرد) را در نظر داشته. "دارم میام" ممکن است گاهی در مفهومی که ژوکوفسکی آورده است به کار رود اما در فارسی امروز (و به احتمال قوی در زمان ژوکوفسکی هم) غالباً "معنی" در حال آمدن هستم" میدهد. معنی مورد نظر ژوکوفسکی را امروزه با فعل ماضی مطلق بیان می کنند. آدمم (= همین الان خواهم آمد) .

اما در باره قسمت دوم یعنی "استعمال ماضی مطلق داشتن قبل از ماضی مطلق فعل دیگر" مثل. "داشت رفت بازار"، اصولاً این صورت فارسی نیست و بدون تردید ضبط غلطی است از "داشت می رفت بازار" که آنهم به معنی "همین حالا به بازار رفت" نیست. در واقع صورت و معنی این مثال هر دو ساخته عدم توجه ژوکوفسکی است .

این صورت در زمانهای دیگر هم به کار رفته که ژوکوفسکی از آنها یاد

- (۱) در پانویس توضیح داده است که. "مراد رئیس هیئت نظامی اطریش است که ۹ سال قبل در ایران بود".
 (۲) از غم و درد مکن ناله و فریاد که دوش زده ام فالی و فریاد رسی می آید
 مسعود فرزاد، جامع نسخ حافظ (شیراز- دانشگاه پهلوی، ۱۳۴۷) ص ۲۶۲.

نکرده مانند ماضی نقلی استمراری ، مثل این جمله از صادق چوبک . " دیروز
 غلام زاده داشته تو حیاط جناب سرهنگ بازی میکرده " (۱) .
 اما آنچه یادداشت کوتاه ژوکوفسکی را اهمیت میدهد اشاره به وجود
 چنین استعمالی است در حدود نود سال قبل در ایران و مخصوصاً " ضبط همان دوبیت
 " اینها همه درس شد . . . " و گرنه از نوع اشتباهات ژوکوفسکی در صورت یا در
 معنی این فعل ، تقریباً " در آثار همه آنهائی که درباره این استعمال فعل داشتن
 بحث کرده اند نیز کم و بیش مشاهده میشود .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

(۱) به نقل از ژ. لازارد کتاب Grammaire de persan contemporain (Paris, 1957) ص ۱۵۲-۱۵۱